

خطبه اول نماز عبادی سیاسی جمعه شهرستان میاندورود

به امامت حضرت حجت الاسلام والمسلمین غفاری

جمعه ۱۲ تیر ماه ۱۴۰۵

بسم الله الرحمن الرحيم

اوصيكم عباد الله ونفسي بتقوى الله.

اسرای کر بلا را به سمت شام حرکت دادند. به همین مناسبت، مطالبی را از فضای تاریخی آن اتفاقات محضر شما بزرگواران عرض می‌کنم.

قبل از اینکه وارد تاریخ حرکت اسرا شویم، روایتی از امام زین العابدین علیه السلام خدمت شما عرض کنم. ایشان درباره مصائبی که بر اهل بیت علیهم السلام گذشت، فرمودند:

«وَاللّٰهُ لَوَ اَنَّ النَّبِيَّ تَقَدَّمَ اِلَيْهِمْ فِيْ قِتَالِنَا، مَا زَادُوْا عَلٰى مَا فَعَلُوْا بِنَا».

به خدا قسم، اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد کشتن ما سفارش کرده بود، بیش از آنچه با ما انجام دادند، نمی‌توانستند انجام دهند.

یعنی اگر پیغمبر سفارش کرده بود که اهل بیت مرا آزار دهید، باز هم بیش از این مصیبت‌ها و آزارهایی که بر اهل بیت وارد کردند، نمی‌توانستند انجام دهند.

نقل است روزی در مراسم حج، زنی مشغول طواف بود که آستینش کنار رفت و دستش پیدا شد. مرد هوسرانی خود را به او نزدیک کرد و دست آن زن را گرفت. هرچه تلاش کرد دستش را جدا کند، به اذن الهی نتوانست و دستش به دست آن زن چسبید.

مردم جمع شدند. بعضی گفتند باید دست زن را قطع کرد، چون او مقصر بوده است. برخی هم نظر دیگری داشتند. سرانجام گفتند برویم از اهل بیت سؤال کنیم. متوجه شدند که امام حسین علیه السلام در مکه حضور دارند. خدمت حضرت رسیدند. فرماندار مکه عرض کرد: یا بن رسول الله، نظر شما درباره این ماجرا چیست؟

امام حسین علیه السلام دست به دعا برداشتند و پس از مدتی، دست آن دوازدهم جدا شد. سپس درباره مجازات آن مرد سؤال کردند. حضرت فرمودند: همین رسوایی برای او کافی است. آن مرد نیز گفت: ان شاء الله فرصت جبران پیدا کنم.

آن شخص، «بحر بن کعب کوفی» بود. ماجرا گذشت تا به حادثه عاشورا رسید. بعد از آنکه سرهای مطهر شهدا از بدن جدا شد، او از کنار پیکرهای مطهر عبور می کرد. چشمش به انگشتی یکی از شهدا افتاد. هرچه تلاش کرد انگشت را بیرون بیاورد، نتوانست؛ تا اینکه انگشت آن شهید را قطع کرد و انگشت را برداشت. این است افسان نمک شناس.

اما برسیم به مطالب تاریخی

یکی از رنج آورترین حوادث پس از عاشورا، حرکت اهل بیت علیهم السلام به سوی شام بود. به دستور یزید و به وسیله عیدالله بن زیاد، دستور داده شد کودکان را آماده کنند و غل آهنین برگردن امام سجاد علیه السلام ببندازند؛ امای که با آن همه رنج، بیماری و مصیبت کربلا، اکنون باید با غل و زنجیر حرکت داده می شد.

حرم اهل بیت را با آن وضعیت بسیار تلخ، همانند اسیران روم و دیلم، برشتران سوار کردند و در گرمای طاقت فرسا به سمت شام حرکت دادند.

این وضعیت به قدری دردناک بود که عبدالله بن عباس نامه ای اعتراض آمیز برای یزید نوشت و گفت:

بدان که عجیب ترین عجایب روزگار این بود که دختران عبدالمطلب و کودکان خردسال او را مانند اسیران به شام فرستادی تا به مردم نشان دهی که بر ما پیروز شده ای و حکومت می کنی. به خدا قسم، اگر شمشیرم به تو نمی رسد، از زخم زبان من در امان نخواهی بود.

در نقلی آمده است یکی از اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسیری بیت المقدس، نزدیک شهر شام، دید شهر را آذین بسته اند، پرده های زیبا آویخته اند و مردم در شادی و سرور هستند.

با خود گفت: حتماً عیدی است و ما خبر نداریم.

جلو رفت و پرسید: آیا عیدی دارید؟

گفتند: مگر خبر نداری؟ سر حسین بن علی علیه السلام را از عراق می آورند.

گفت: آیا تعجب نمی کنید که چرا آسمان خون نمی بارد و چرا زمین اهلش را فرو نمی برد؟

پرسید: از کدام دروازه وارد می شوند؟

گفتند: از دروازه ساعات.

هنوز گفت و گو تمام نشده بود که پرچم های سپاه نمایان شد. نگاه کردم، سری را دیدم که سیمایش از همه بیشتر شبیه رسول خدا صلی الله علیه و آله بود.

در پشت سر، دخترکی را دیدم. فرمود:

اگر می توانی، کاری کن سرها را جلوتر ببرند تا مردم سرگرم تماشای آنها شوند و کمتر به حرم رسول خدا نگاه کنند.

می گوید خود را به حامل سرها رساندم و به یکی از آنان گفتم مبلغ زیادی به تویی دهم، فقط سرها را جلوتر ببر.

البته در برخی نقل ها آمده است که شمر ملعون وقتی این موضوع را فهمید، براذیت و آزار اهل بیت افزود.

در نقل مشهور آمده است که اهل بیت را سه روز پشت دروازه شام نگه داشتند تا شهر را برای جشن آماده کنند. سپس آنان را وارد شام کردند.

شیخ عباس قمی نقل می کند که وقتی اسرای کربلا را کنار پلکان مسجد شام نگه داشتند، پیرمردی نزدیک شد و گفت:

خدا را شکر که شمارا گشت و نابود کرد.

امام سجاد علیه السلام فرمودند:

آیا قرآن خوانده‌ای؟

گفت: بله.

فرمودند: آیا این آیه را خوانده‌ای:

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»

گفت: آری.

حضرت فرمودند:

ما همان اهل بیت پیامبر هستیم.

پیرمرد متحول شد و گفت: خدایا، من از دشمنان آل محمد بیزارم.

این سخنان سبب شد بنی امیه رسوا شوند؛ به گونه‌ای که شهری که برای جشن آماده شده بود، به مجلس اعتراض علیه یزید تبدیل شد. مردم یزید را لعن و نفرین کردند.

یزید نیز برای فرار از افکار عمومی، گفت: خدا عید الله بن زیاد را لعنت کند؛ او این کار را کرد.

در ادامه، خطاب به امام سجاد علیه السلام گفت:

پدرت با من مدارا نکرد و برای حکومت با من جنگید.

امام علیه السلام در پاسخ، آیه شریفه را تلاوت فرمودند:

«مَا أَصَابَ مِنْ مُّصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ...»

سپس فرمودند:

ای پسر هند! ای پسر معاویه! پیش از آنکه تو متولد شوی، نبوت و امامت در دست پدران من بود. در جنگ بدر واحد، پرچم رسول خدا در دست علی بن ابیطالب علیه السلام بود، در حالی که پرچم کفر در دست پدران تو قرار داشت.

سپس فرمودند:

وای بر توای یزید! اگر بدانی با پدر، برادران و خاندان من چه کردی و چه جنایتی مرتکب شدی، خواهی دانست چه عذابی در انتظار توست. تو سر حسین بن علی علیه السلام را بر دروازه شهر آویختی؛ در حالی که او فرزند رسول خدا بود. منتظر باش که در روز قیامت چگونه خوار و رسوا خواهی شد.

وقتی سر مطهر امام حسین علیه السلام را مقابل یزید گذاشتند، گفت:

بنی هاشم با حکومت بازی کردند؛ نه خبری از وحی بود و نه وحی نازل شد بود.

سپس آرزو کرد کاش نیاکان مشرکش زنده بودند و می دیدند که چگونه انتقام جنگ بدر را گرفته است.

یعنی اصل نبوت و رسالت پیامبر را انکار کرد و نشان داد که هدف بنی امیه، از بین بردن حقیقت اسلام با نام اسلام بود.

خداوند متعال ان شاء الله همه ظالمان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام را لعنت فرماید.

خطبه دوم نماز عبادی سیاسی جمعه شهرستان میاندورود

به امامت حضرت حجت الاسلام والمسلمین غفاری

جمعه ۱۲ تیر ماه ۱۴۰۵

بسم الله الرحمن الرحيم

اوصيكم عباد الله ونفسي بتقوى الله.

اللهم صل على محمد وآل محمد.

اللهم صل على أمير المؤمنين علي بن أبي طالب، وفاطمة الزهراء سيدة النساء العالمين، وصل على الحسن والحسين سيدى شباب أهل الجنة، وعلى بن الحسين، ومحمد بن علي، وجعفر بن محمد، وموسى بن جعفر، وعلي بن موسى، ومحمد بن علي، وعلي بن محمد، والحسن بن علي، والحجة بن الحسن العسكري، اللهم صل على محمد وآل محمد.

شما عزیزان، بزرگواران، مؤمنین و مؤمنات را به مسئله مهم تقوای الهی توصیه می کنم.

ایام شهادت امام شهید را خدمت شما عزیزان تسلیت عرض می کنم.

از اندیشه های والای رهبر شهید، خدمت شما چند کلمه، شاید خلاصه صحبت ها و تذکرات ایشان را عرض کنم. حقیقی است و ضرورتی است برای آنچه که مادر این ۳۷ سال، با شهادت و رهبری ایشان، در عرصه صنایع دفاعی کشور به دست آوردیم.

کتابخانه ها و مراکز علمی به صورت انتزاعی و تئوری تولید نمی کنند؛ بلکه از تولیدات دفاعی کشور حمایت می کنند. امروز، با همه فشارها، تحریم ها و تلاش های دشمن، صنایع دفاعی ما به حمد الله به قدرتی رسید که نه تنها در داخل کشور، بلکه در منطقه و جهان، جمهوری اسلامی عزیز ما را به جایگاه قابل توجهی رسانده است.

فرمایش ایشان این بود که این دستاوردها را دنبال کنیم و ان شاء الله کشور را بی نیاز کنیم و وابستگی هایی را که دشمن می تواند از آن طریق ما را تحت فشار قرار دهد، از بین ببریم؛ چرا که امروز گرفتار این مسئله هستیم.

درس های رهبر شهید را بیان کنیم که با ایام امروز ما مناسبت دارد؛ چرا که دشمن با ایجاد خطای محاسباتی در میان مردم و مسئولان، به دنبال تغییر اراده های ماست. با داده های غلط، با تهدید، با تطمیع، تلاش می کند به ما بگوید مقاومت فایده ای ندارد و باید با آنها همکاری کنیم و کنار بیاوریم. این همان چیزی است که دشمن دنبال می کند.

لذا باید مراقب باشیم. چگونه می توانیم در مقابل این فتنه مقاومت کنیم؟

راهکار، اعتماد به خدا، ایمان، باورهای درونی، نیروهای انسانی و توانمندی های خودمان است. اینها در کنار هم می تواند محاسبات ما را بر پایه ایمان و شناخت صحیح از ماهیت دشمن قرار دهد تا ان شاء الله در مسیر پیروزی حرکت کنیم.

نکته بعدی، راجع به مذاکرات است.

ملاحظه می کنید که در فضای مجازی، هر کسی مطلبی منتشر می کند و نسبت به مسئولان مطالبی مطرح می شود.

مذاکره با آمریکا به معنای تسلیم در مقابل آنها نیست. کسی این مذاکره را این گونه ندیند.

آنچه از مذاکره استفاده می شود، مذاکره میدان است و دستاوردهای میدان، پشتوانه منطق مذاکره است.

آنچه مهم است، این است که یکی از شکست های مهم دشمن، همین است که آمریکا با همه ادعاهای خودش، در مقابل جمهوری اسلامی ایران پای میز مذاکره بنشیند و درخواست مذاکره بدهد. این خود، یکی از نشانه های شکست آنهاست.

ما مذاکرات را با نگاه خوش بینانه نگاه نمی کنیم؛ بلکه آن گونه که رهبر عزیزمان فرمودند، دید بانی می کنیم تا هوشمندان عمل شود.

لذا این بدعهدی که در ذهن نیروهای انقلابی ما نسبت به آمریکا وجود دارد، درست هم هست؛ اما نباید این مسئله را به مسئولان نظام نسبت بدهیم؛ چرا که مسئولان ما خباثت و خیانت آمریکارا می شناسند و سال ها در عرصه جهاد و مقاومت حضور داشته اند.

نکته دیگر، فرمایشات رهبر عزیزمان درباره قضاویه بود.

ایشان فرمانی عملیاتی و راهبردی در مسیر تحول نظام قضایی کشور بیان فرمودند.

نکته محوری فرمایشات ایشان این است که شعار تحول کافی نیست؛ بلکه باید در عمل محقق شود.

تأکید بر مقابله با متجاوزان و صاحبان قدرت، محدودسازی باب سفارش و توصیه، سرعت در رسیدگی و توجه به حقوق عامه، از تأکیدات رهبر عزیز ما بود.

در پایان، واقعاً لازم می‌دانم از دهیاران عزیز و شهرداران محترم شهرستان تقدیر و تشکر کنم.

بند از نزدیک از برخی پروژه‌ها بازدید داشتم؛ از آسفالت معابر، رفع مشکلات آب‌های سطحی، رفع گره‌های ترافیکی و روشنایی معابر.

از این دویز رگوار تشکری کنم؛ مخصوصاً از شهردار محترم، جناب آقای دکتر قربانی، بابت زحمات ارزشمندشان تقدیر و تشکری کنم از همه شما عزیزان نیز سپاسگزارم.

خدایا! عاقبت ما را ختم به خیر بفرما.

خدایا! لباس عافیت بر تن همه ما بپوشان.

خدایا! توفیق عمل به آنچه شنیدیم به همه ما عنایت بفرما.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.